



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۵/۲۰

یونس نگاه

هشدار جنگ برای سازش



از روزی که ایالات متحده امریکا با طالبان در 29 فیروری 2020، «توافق نامه صلح» دوحه را امضا کرد، تاکنون، تعدادی از سیاستمداران و رهبران تنظیمی به طالبان همچون صاحبان اصلی قدرت نگاه کرده و برای سازش، تمام راهها را آزمودهاند. اولین حرکت این جمع راه اندازی کمپاین «تسلیمی» در درون نظام بود. آنان ارزش نظام را نمی دانستند و آنچه را پس از سقوط حاکمیت طالبانی در سال 2001 به دست آمده بود به ارگ و اداره فاسد غنی تقلیل می دادند و آشکارا برای دوران پس از «اشرف غنی» که قرار بود در آن طالبان و سران احزاب جهادی بازیگران اصلی باشند، کمپاین می کردند. مقاومت و ایستادگی در برابر طالبان را وقت کشی و ضدیت با صلح تبلیغ می نمودند و به جای تقویت صفوف «جمهوری» در برابر تهاجم طالبان، علیه آنچه اکنون در اعلامیه انقره «نظام و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان» خوانده و فروپاشی آن را موجب فاجعه انسانی و آسیب های جبران ناپذیر اعلام کرده اند، از شش جهت شمشیر کشیده بودند. به تهران، مسکو، اسلام آباد، دوحه و انقره می رفتند تا با طالبان مستقیم یا با واسطه مذاکره کرده سهم خود را در آینده افغانستان معلوم کنند. عکس های خندان و «بلفی های» را که از نشست با هیات طالبان در فیس بوک نشر می کردند، هنوز در خاطرها زنده است. حتا در روزهایی که ولایات یکی پس از دیگر سقوط می کردند، اینان به جای ایستادن کنار مردم و بسیج نیروهای ضد طالبانی مشغول مذاکرات آشکار و پنهان با گروه طالبان بودند و هرکدام تلاش داشت ستون پنجم آن گروه در درون نظام باشد.

روزی که طالبان به کابل داخل شدند، تعداد زیادی از این رهبران طالب دوست، آخرین شانس خود را برای نجات سرمایه و نفوذ خانوادگی در نظام طالبان، با رفتن به اسلام آباد آزمودند و انتظار داشتند که پاداش همکاری های شان را در شکست دشمن مشترک (غنی و تیمش) دریافت کنند. تعریفی که طالبان، حکومت پاکستان و رهبران تنظیمی از پاداش دارند، متفاوت است. اسلام آباد ظاهراً طرفدار حضور نمادین رهبران تنظیمی و وابستگان شان در نظام طالبانی است، طالبان پاداش را مصونیت جانی و مالی می دانند نه سهم سیاسی، ولی آنانی که اکنون در پای اعلامیه انقره امضا کرده اند با توجه به تاخیر رسمیت بین المللی «امارت» و تشدید عکسالعمل های نظامی و سیاسی در برابر آن گروه، اکنون دو خواست حداکثری و حداقلی را مطرح می کنند:

د پائو شمیره: له 1 تر3

۱) اگر مقاومت و ایستادگی در برابر طالبان شدت گیرد و احتمال شکست طالبان افزایش یابد، به کمتر از مشارکت در نظام سیاسی تن نخواهیم داد.

۲) اگر مقاومت با پشتی‌بانی جهانی و منطقه‌ای مواجه نشود و نظام طالبان پا گیرد، مصونیت جانی و مالی را همراه با چوکی‌های نمادین در امارت باید به دست آوریم.

در بیش از نُه ماه گذشته، اینان با سکوت، بیانی، پست فیس‌بوکی و مقاله موضع سازش‌کارانه خود در برابر طالبان را تکرار کرده‌اند. مجلس انقره نیز بیش از آن‌که تدارک برای مقاومت علیه طالبان باشد، اصلاح موضع امضاکننده‌گان در روشنایی شرایط تازه است تا از تحولات احتمالی که به زیان حاکمیت طالبان رخ خواهد داد، عقب نمانند و تمام تخم‌های خود را در سید طالبان نگذارند.

امضاکننده‌گان اعلامیه انقره در میدان تجارت سیاسی گرگ‌های باران‌دیده اند و بوی خون و پول را زودتر از دیگران حس می‌کنند. آنان به وطن ما همچون بازار دیده و در آن با جان جوانان فریب‌خورده و احساسات توده‌های میلیونی آلوده به تعصبات قومی، مذهبی و زبانی تجارت کرده قدرت سیاسی و منافع اقتصادی کمایی می‌کنند.

محتوای اعلامیه انقره نشان می‌دهد که امضاکننده‌گان مقاومت را ابزار چانه‌زنی می‌دانند نه حق مردم افغانستان برای کسب آزادی. اعلامیه با دستور جنگ آغاز شده است. «اِنَّ لِلَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ بِاَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ».

یعنی به آنانی که ستم روا داشته شده، اجازه جنگ داده شده و خداوند قادر است به آنان یاری رساند.

توسل به خداوند اما شعار فریبنده است. «شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان» در اعلامیه غیر از خود چهار بازیگر دیگر را در بازی افغانستان به رسمیت می‌شناسد که در میان آن چهار بازیگر، خدا و مردم دیده نمی‌شوند. بازیگر نخست طالبان است که بعد از اعلام موجودیت این شورا در ماده اول اعلامیه، امضاکننده‌گان فوراً به سراغ آن گروه رفته و خواستار همکاری در حل معضل افغانستان شده‌اند: «از طالبان می‌خواهیم که بیش از این موجب ویرانی و تباهی در کشور نشوند و برای حل معضله‌های کنونی بر سر میز مذاکره حاضر شوند».

بازیگر دوم کشورهای همسایه است. امضاکننده‌گان در ماده سوم اعلامیه از کشورهای همسایه خواسته‌اند که از حاکمیت انحصاری و غاصبانه طالبان حمایت نکنند؛ زیرا «موجب بحران و بی‌ثباتی گسترده» می‌شود و این به سود کشورهای همسایه نیز نیست.

بازیگر سوم قدرت‌های جهانی است که امضاکننده‌گان خطاب به آنان از عدم پای‌بندی طالبان به «ارزش‌های اسلامی، انسانی، موازین بین‌المللی و معیارهای حقوق بشر» سخن گفته و بدین‌گونه خود را حامی این ارزش‌ها نشان داده‌اند، هرچند دوسیه‌های بسیار سنگین مستند در آرشیف سازمان‌های حقوق بشری، یادداشت‌های تاریخی و حافظه مردم افغانستان نسبت به کارنامه بیشتر اعضای رهبری این شورا وجود دارد. ارزش‌های انسانی و اسلامی، معیارهای حقوق بشر و موازین بین‌المللی مثل آیات قرآن همچون وردهای سیاسی و تزئینی از سوی اینان استفاده می‌شود.

بازیگر چهارم نیرو یا نیروهایی است که در بخش‌هایی از کشور علیه طالبان مقاومت مسلحانه انجام می‌دهند. امضاکننده‌گان اعلامیه، این مقاومت مسلحانه را مشروع دانسته و بر شورای خود نیز نام مقاومت گذاشته‌اند. البته در گذشته بارها آنان تلاش ورزیدند خود را از کسانی که علیه طالبان دست به سلاح برده‌اند دور نگه دارند. در روزهای اول پس از سقوط، زمانی که در پنجشیر علیه طالبان جنگ جریان داشت، این رهبران در اسلام‌آباد انتظار هدایت طالبان را داشتند تا به کابل برگشته در نظام طالبانی شریک شوند. پس از آن نیز بارها جنگ‌های پنجشیر و اندراب را ماجراجویی خواندند و خواهان ادامه مذاکرات شدند. اکنون که طالبان ثابت کرده‌اند جز خود به هیچ نیرویی در نظام جای نخواهند داد، و در عین حال دامنه‌های مقاومت علیه طالبان گسترش یافته، اینان نیز مقاومت را ماجراجویی نه بلکه دفاع مشروع می‌خوانند. اما چراغ سبزشان به سمت طالبان روشن است و آن گروه را به مذاکره و در واقع تن دادن به حکومت سهمی دعوت می‌کنند.

غیبت مردم و رنج‌های‌شان در اعلامیه بسیار سنگین است. از قربانیان انفجارهای تروریستی ماه‌های اخیر در مکاتب و مسجدها یاد نشده است، از گرسنگی مردم سخنی نرفته است، از کوچ‌های اجباری و کشتار هدفمند ذکری نشده و از فشارهای چندقاته علیه زنان و مقاومت شجاعانه آنان در برابر طالبان در اعلامیه خبری نیست.

اعلامیه لحن سرد تاجرانه دارد. از ساختار تشکیلاتی یاد شده است و کمیته‌های دهگانه‌ای که قرار است در شورا فعالیت کنند. به نظر می‌رسد بعد از اعلامیه آنان بیشتر مشغول پروپوزل‌نویسی و ترسیم چارت‌های تشکیلاتی، تقسیم پست‌ها و تعیین معاشات باشند تا تدارک مبارزه برای کاستن رنج میلیون‌ها وطن‌دار گرفتار در چنگال گروه تاریک‌اندیشی که اینان هنوز به چشم برادر می‌بینند و دعوت به مذاکره و همکاری می‌کنند.

از کسانی که جایگاه سیاسی و مالی خود را مدیون پروژه‌هایی بدانند که تولید گروه طالبان یکی از محصولات آن بود، انتظار مبارزه برای آزادی کشور، تلاش برای ساختن دولت دموکراتیک، کمپاین برای تامین حقوق بشر و از خودگذری برای منافع عمومی نمی‌توان داشت. اینان در خلق وضعیت دردناک امروز مثل طالبان مقصرند. فروپاشی نظام چنان که در اعلامیه انقره آمده است، «نتیجه غدر و خیانت هیات حاکمه... و پروسه دوحه» بود. اما نه هیات حاکمه تنها غنی و تيمش بود و نه پروسه دوحه بدون حضور و همکاری اینان به جایی می‌کشید که امروز قرار داریم. امضاکننده‌گان اعلامیه انقره عناصر مهم هیات حاکمه بودند. خودشان در کمیته‌ها، مشاوریت‌ها و مجالس تصمیم‌گیری بر صدر می‌نشستند. فرزندان و نزدیکان‌شان وزیر، قوماندان، جنرال، دیپلمات، تاجر و سرمایه‌گذار

بودند. انحصارگرایی، خودمحوری، خانواده‌پرستی، سمت‌گرایی و مال‌اندوزی اینان در بیست سال گذشته خوره نظام بودند.

درست است که هر گام کوچک در برابر طالبان ارزش دارد و لازم است تمام نیروهای باورمند به نظام غیرطالبانی متحد شوند؛ اما اتحاد واقعی بدون صداقت و به روش کاسب‌کارانه ممکن نیست. آنانی که در فروپاشی نظام نقش داشتند و نقش راه‌پاک‌کن‌های آن گروه تاریک‌اندیش را بازی کردند، قبل از هر کار باید حساب گذشته خود را پاک کنند و حداقل در اعلامیه و موضع‌گیری‌های خود از خیانت‌ها و جنایاتی که منجر به خلق وضعیت کنونی شده است، صادقانه صحبت کنند و نقش خود را انکار ننمایند.

افغانستان با اتحاد سهامی زورمندان به صلح و پیش‌رفت نایل نخواهد شد. مبارزه با طالب، عرصه پیکار مردان و زنانی است که نگران حساب‌های بانکی پر از دالر، خانه‌های مجلل و شهرک‌های زورآباد خود نباشند، از برهم خوردن نظام قوماندان‌سالاری و وندبازی نهراسند، و دوسیه‌های قطور قانون‌شکنی و رفتار ضدبشری در کارنامه نداشته باشند.